



Journal of Islamic Propagation

Volume 6 ● No 14 ● Autumn & Winter 2026

Faith and Resistance: An Explanation of the Quranic Foundations of Islamic Resistance with a Case Study Approach

Saeed Rousta Azad*

Abstract

The objective of this paper is to explain the Quranic foundations of Islamic resistance, focusing on the "schools" (Maktab) of the two martyrs, Haj Qasem Soleimani and Sayyid Hassan Nasrallah, as practical contemporary models. The research methodology is descriptive-analytical, based on the content analysis of Quranic verses, the narrations of the Infallibles (AS), and the life conduct and evidence of these two great martyrs. Research findings indicate that the school of these two martyrs is derived from the luminous verses of the Holy Quran and the Sunnah of the Prophet of Islam (PBUH). From the Quranic perspective, the prerequisites for resistance and Jihad in the way of Allah are deep faith, trust and reliance on God (Tawakkul), and the rejection of Taghut (tyranny/idolatry). Analyzing the clear evidence from the lives of Martyrs Soleimani and Sayyid Hassan Nasrallah reveals that the prominent personal characteristics of these two martyrs include deep faith in the Creator, worship, seeking intercession (Tawassul) from the Ahl al-Bayt (AS), and a love for martyrdom. Furthermore, in the social and political spheres, they are firm believers in Wilayah-oriented leadership and the rejection of Taghut and the global arrogant system (Istikbar). In a world where the arrogant system plays a diabolical and destructive role through cyberspace and various media, introducing the leaders of the Resistance Front to the new generation will have an educational and constructive impact on guiding adolescents and youth toward the correct path of life.

Key words

Faith, Resistance, Quranic Foundations of Islamic Resistance, Martyr Qasem Soleimani, Martyr Sayyid Hassan Nasrallah.

* Faculty Member of the Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA) and Cultural and Propagation Vice-President of the Islamic Propagation Office of the Islamic Seminary of Qom.

ایمان و مقاومت: تبیین مبانی قرآنی مقاومت اسلامی با رویکرد مطالعه مصادقی

دکتر سعید روستاآزاد*

چکیده

تبیین مبانی قرآنی مقاومت اسلامی با تمرکز بر مکتب شهیدین حاج قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله در جایگاه الگوهای عملی عصر حاضر، از اهداف این نوشتار است. روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای آیات قرآن کریم، روایات معصومان علیهم‌السلام و سیره و شواهد زندگی این دو شهید بزرگوار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مکتب این دو شهید بزرگوار برگرفته از آیات نورانی قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی اسلام است. از دیدگاه قرآن کریم، لازمه مقاومت و جهاد فی سبیل‌الله، ایمان عمیق، اعتماد و توکل به خداوند و نفی طاغوت است. با تحلیل شواهد روشن زندگی شهیدان سلیمانی و سیدحسن نصرالله آشکار می‌شود که از ویژگی‌های برجسته شخصیتی و فردی این دو شهید، ایمان عمیق به خالق هستی، توکل، عبادت، توسل به اهل بیت علیهم‌السلام و عشق به شهادت در راه خداست؛ همچنین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به ولایت‌مداری و نفی طاغوت و نظام استکباری باورمندند.

در دنیایی که نظام استکباری با بهره‌مندی از فضای مجازی و رسانه‌های گوناگون تبلیغاتی خود نقشی شیطانی و ویران‌کننده دارد، معرفی رهبران و الگوهای جبهه مقاومت به نسل جدید، نقش تربیتی و سازنده‌ای در شناساندن مسیر صحیح زندگی به دیگران به‌ویژه نوجوانان و جوانان خواهد داشت.

کلیدواژه‌گان: ایمان، مقاومت، مبانی قرآنی مقاومت اسلامی، شهید قاسم سلیمانی، شهید سیدحسن نصرالله.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و معاون فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقدمه

جوامع اسلامی امروزه با چالش‌های مختلفی روبرو هستند؛ چراکه استکبار جهانی سیاست‌های استخفاف فرهنگی-اقتصادی، غفلت‌افکنی و تضعیف هویت دینی جامعه را با ابزارهای مختلف تبلیغاتی در پیش گرفته است. برای خنثی کردن این دسیسه‌های شیطانی، باید به تقویت مبانی دینی و فکری از یک‌سو و ارائه الگوهای عملی از سوی دیگر اقدام کرد. الگوهایی که نه تنها در فکر و اندیشه، بلکه در عمل نیز آموزه‌های دینی و قرآنی را در سراسر زندگی خود به نمایش گذاشته باشند؛ الگوهایی نظیر شهیدان حاج قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله. پیروی از سیره این دو شهید بزرگوار می‌تواند نسل جدید را هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ عملی در مسیر رشد و تربیت اسلامی قرار دهد.

پژوهش‌های بسیاری درباره شهید سلیمانی و شهید سیدحسن نصرالله نگاشته شده است که اغلب پس از شهادت این دو بزرگوار نشر یافته‌اند؛ از جمله سالاری‌راد (۱۴۰۱) در کتاب درباره شهید سلیمانی، شاخص‌ترین اوصاف ایشان را بر مبنای آیات قرآن کریم تحلیل می‌کند و ویژگی‌هایی همچون اخلاص، تقوا، ولایت‌پذیری، شجاعت، تدبیر، صبر و دفاع از مظلوم را برجسته می‌داند. همچنین در کتاب اخلاق و معنویت در مکتب شهید سلیمانی، اخلاق فردی، اجتماعی و سیاسی شهید تبیین شده است. حاج قاسمی که من می‌شناختم اثر حجت‌الاسلام علی شیرازی است که نویسنده خاطرات نزدیک به چهل سال رفاقت با شهید حاج قاسم سلیمانی را بازگو کرده است. متولد مارس دربرگیرنده خاطرات دوستان، هم‌زمان و نزدیکان حاج قاسم سلیمانی است؛ این خاطرات از تحولات سوریه، عراق تا شهادت و نیز درباره خلق و خوی این شهید بزرگوار است که با روش مصاحبه گردآوری شده است. سلیمانی عزیز کتابی است که به همت عالمه طهماسبی، لیلا موسوی و مهدی قربانی به نگارش رسیده است و بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی می‌پردازد. کتاب معنویت اجتماعی در مکتب سلیمانی نیز به تبیین مکتب حاج قاسم پرداخته است.

درباره شهید سیدحسن نصرالله، احمدی (۱۳۹۱ش) نقش وی را در جنگ هشت‌روزه غزه در سال ۱۳۹۱ بررسی می‌کند و پیشبرد جنگ روانی علیه رژیم صهیونیستی را مهم‌ترین عملکرد او می‌شمارد. بابایی و غفاری هسجین (۱۳۹۸ش) نیز نقش رهبری نصرالله در به‌کارگیری قدرت

هوشمند حزب‌الله (ترکیبی از قدرت سخت و نرم با سبک‌های تراکشی و الهام‌بخش) را در مواجهه با مخالفان تحلیل می‌کنند. مبینی و قاسمی (۱۳۹۸ش) دستاوردهای مقاومت لبنان در منظومه فکری نصرالله را شناسایی کرده‌اند و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت را برجسته می‌سازند (با تأکید بر برتری عوامل معنوی، ساختار توانمند، برتری اطلاعاتی و نقش منطقه‌ای). با وجود این پژوهش‌ها، به نظر می‌رسد به مطالعه مصداقی مبانی قرآنی مقاومت به گونه یکپارچه و تطبیقی کمتر توجه شده است؛ از این رو پژوهش حاضر کوشیده است این خلأ را پر کند و الگوهای قرآنی مشترک در سیره و اندیشه شخصیت‌های کلیدی مقاومت را استخراج و تحلیل نماید. از دغدغه‌های این پژوهش، پاسخ به این پرسش‌هایی بدین ترتیب است: مبانی قرآنی مقاومت اسلامی کدام است؟ چگونه این مبانی در مکتب شهید سلیمانی و شهید نصرالله به ظهور رسید؟ و ما چگونه می‌توانیم نسلی همانند این شهدای گران‌قدر تربیت کنیم؟

شیوه تبیین آموزه‌ها در قرآن کریم

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم این است که در کنار آموزه‌های قرآنی، مصداقی آن آموزه‌ها را کامل در اختیار بشر قرار داده است. اگر خدای متعال می‌فرماید «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: به یقین با [هر] سختی، آسانی است» (شرح: ۵)؛ یعنی همواره سختی‌ها با آسانی‌ها گره خورده‌اند و همراهی دارند. از سوی دیگر نیز مصداقی آن را هم نشان داده است؛ از این رو وقتی به بیان سختی‌های زندگی حضرت ابراهیم می‌پردازد، تبیین می‌کند که خدای متعال به او عزت و مقام امامت عطا کرد: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: [به خاطر آورد] هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم عرض کرد: از دودمان من [نیز امامانی قرار بده]. خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام‌اند]» (بقره: ۱۲۴). همچنین وقتی زندگی سخت حضرت موسی و ماجرای فرعون و جنودش را بیان می‌کند که در تعقیب او بودند، می‌فرماید: «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اصْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ: و به دنبال آن به موسی وحی کردیم عصایت را به دریا بزن [عصایش را به دریا زد،] و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود» (شعرا:

۶۳). بر همین اساس وقتی می‌پرسند چرا همه قرآن یک‌جا نازل نمی‌شود و چرا خداوند متعال طی سال‌ها و ماه‌ها این قرآن را نازل می‌کند؟! می‌فرماید: «كَذَلِكَ لِنُنَبِّئَ بِهٖ فُؤَادَكَ» (فرقان: ۳۲)؛ یعنی ای پیامبر عزیز، ما می‌توانیم کل قرآن را یک‌جا بر تو نازل کنیم؛ اما می‌خواهیم با این کار ثبات قلب تو را بیشتر کنیم؛ با آموزه‌های قرآن از قبیل داستان‌های انبیایی چون حضرت موسی، با سنت نصرت الهی برای پیامبران بزرگ الهی، با سنت خذلانی که خدای متعال برای کافران و مستکبران عالم داشته است.

بنابراین قرآن کریم همان‌گونه که دستورها، آموزه و تئوری دارد، مصادیق عینی اینها را نیز در قالب نظام طاغوتی و نظام توحیدی تبیین می‌کند. درحقیقت قرآن هم زندگی سرآمدان توحید را تشریح می‌کند و هم زندگی سرآمدان طاغوت را که همه اینها برای الگوگیری و اسوه‌گیری و استفاده مسلمانان است.

معرفی الگو در قرآن کریم

در قرآن کریم دو تعبیر درباره الگو و اسوه مشاهده می‌شود:

الف) اسوه: حضرت ابراهیم و پیامبر عظیم‌الشان را اسوه و الگو معرفی می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴) و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛ یعنی اگر دنبال الگوی حسنه و زیبا و نیکو می‌گردید، پیامبر این‌گونه است.

ب) مثال: خداوند در پایان سوره «تحریم» دو مثال برای کافران و دو مثال برای مؤمنان بیان می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم: ۱۱)؛ یعنی تمام کسانی که بعد از این خواهند آمد و مؤمن هستند، می‌توانند حضرت آسیه همسر فرعون را نمونه و الگو بدانند؛ همان‌طور که حضرت مریم هم به همین شکل است و نمونه و الگو برای تمام زنان مؤمن بعد از خودشان هستند. خداوند درباره چرایی اسوه‌بودن همسر فرعون می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» و خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثل زده است؛ در آن هنگام که گفت: پروردگارا، خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش» (تحریم: ۱۱). نکته طلایی و ویژه درباره همسر فرعون آن است که ایشان همسر فرعون بود و در کاخ زندگی می‌کرد؛ اما از این دنیا و کاخ و مطامع دنیوی

دل کند و از خداوند خانه‌ای در بهشت در نزد خدا درخواست کرد؛ یعنی ترک وابستگی به دنیا و شوق به دل بستگی به آخرت. همین مسئله سبب شد که خداوند همسر فرعون را به نمونه و مثالی برای همه انسان‌ها در طول زمان تبدیل کرد.

در مقابل، خداوند دو مثال دیگر معرفی می‌کند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَامْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ: خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید؛ همراه کسانی که وارد می‌شوند» (تحریم: ۱۰).

در این نوشتار مبتنی بر همین آیات، شهید سلیمانی و شهید نصرالله را به مثابه الگو مطرح میکنیم. خداوند درباره حضرت ابراهیم و همراهانش می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴). این آیه شریفه تأکید می‌کند که هم حضرت ابراهیم و هم کسانی که با ایشان همراه بودند، اسوه شما هستند. چرا خداوند این‌گونه فرموده است؟ چه نکته ویژه‌ای در زندگی حضرت ابراهیم و همراهان ایشان وجود داشت؟ چه نکته ویژه‌ای است که آنها را تبدیل به الگو می‌کند؟ قرآن می‌فرماید: «إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ إِنَّا بِرَأْفٍ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأُبْرِيئَ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنُوبُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ: در آن هنگامی که به قوم [مشرك] خود گفتند ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید. جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [=عمویش آزر] گفت [و وعده داد] که برای تو آمرزش طلب می‌کنم؛ با این وجود، در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم [و اختیاری ندارم]؛ پروردگارا، ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجام‌ها به سوی توست» (ممتحنه: ۴). حضرت ابراهیم برای این سخنان ناب و ایمان استواری که بیان کردند، به این درجه دست یافتند.

بنابراین ایمان و توکل بر خدا و برائت از استکبار، برائت از مخالفان پیامبر و برائت از کسانی که در مسیر طاغوت قرار گرفتند، می‌تواند انسان را به الگو تبدیل کند؛ ویژگی‌هایی که می‌توان در

سیره نظری و عملی شهیدان سلیمانی و سیدحسن نصرالله به خوبی مشاهده کرد. توجه به سیره این شهیدان گرانقدر و ویژگی‌های برجسته قرآنی آنها، می‌تواند جوانان و مردم عصر ما را در مسیر خواسته‌های قرآنی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام قرار دهد. تأکید مقام معظم رهبری بر مکتب حاج قاسم (۵۱۶۵) (<https://farsi.khamenei.ir/roadmap-content?id=5165>)، تأکید بر این مطلب است که روش این شهید باید زنده بماند و باید بتواند نسل تربیت کند و این شدنی است. وقتی کشور عزیزمان در خرداد ۱۴۰۴ مورد تهاجم رژیم صهیونی و آمریکای جنایتکار قرار گرفت، با چشم خود دیدیم که چگونه ملت عزیز ایران به‌ویژه جوانان و نوجوان رشید با اطاعت از ولی‌امر و با وحدت و حفظ انسجام خود، همه نقشه‌های شوم دشمنان را خنثی کردند. گاه جوان‌ها و نوجوان‌هایی را دیدیم که شاید از جوانان و نوجوانان اول انقلاب به‌مراتب شجاع‌تر، فهیم‌تر و آماده‌تر بودند و این نیست مگر به برکت اسلام و به برکت توجه به الگوهای عملی عصر ما نظیر شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سیدحسن نصرالله.

تبیین مبانی قرآنی مقاومت اسلامی

در این بخش ابتدا مبانی قرآنی مقاومت را تبیین خواهیم کرد؛ سپس نشان می‌دهیم که چگونه این مبانی قرآنی در روش و منش شهید سلیمانی و شهید نصرالله ظهور و تجلی داشته است.

۱. ایمان

ایمان به معنای باور عمیق به خدا و انبیا و عالم آخرت است؛ به تعبیر قرآن «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵). در مقابل، کفر به معنای انکار و نپذیرفتن متعلقات ایمان است. به نظر می‌رسد تمام قرآن، تبیین و ترسیم ایمان و کفر است؛ درحقیقت مفاد هر آیه‌ای یا ترغیب و تشویق به ایمان است یا نهی از کفر. اینکه قرآن کریم داستان انبیا و مخالفان انبیا را تکرار می‌کند، برای ترسیم و تبیین هرچه بیشتر دو خط توحید و خط طاغوت است. درواقع خداوند در قرآن کریم همواره دوقطبی ایمان و کفر را تبیین و تشریح و مصادیق‌شان را بیان می‌کند.

مراتب ایمان

از دیدگاه قرآن کریم، ایمان دارای درجات و مراتب است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا نُكِرَ اللَّهُ

وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ: مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند» (انفال: ۲)؛ یا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا: ای کسانی که ایمان آوردید، ایمان بیاورید» (نساء: ۱۳۶). گفتنی است ایمان غیر از اسلام است: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا» (حجرات: ۱۴) که خداوند در این آیه به پیامبر می‌فرماید به آنها بگویند شما ایمان نیاوردید، بلکه شما اسلام آوردید و هنوز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده است: «وَأَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴).

بنابراین ایمان دارای مراتب است و مؤمنان درجات گوناگونی دارند. ایمان‌بندگان با افزایش معرفت به خدا و انجام اعمال صالح روزبه‌روز بالاتر و پرتمتر می‌شود؛ برای مثال یکی از اعمال نیکی که نقش زیادی در افزایش ایمان دارد، جهاد در راه خداست. مؤمنان با مجاهدت در راه خدا به مقام بالاتر دست می‌یابند. بعد از جنگ احد و زمانی که پیامبر در سخت‌ترین شرایط قرار داشت و بهترین یاران و اصحاب خود مانند حمزه سیدالشهدا را از دست داده بود و با مجروحان زیادی منطقه جنگی را به سمت مدینه ترک می‌کرد، به ایشان خبر رسید که ابوسفیان مجدد در بیرون از مدینه آرایش جنگی گرفته است و قصد حمله دارد تا به تعبیر خودش بساط اسلام را جمع کند. همانند همین یاوه‌گوهایی که استکبار جهانی آمریکا درباره جمهوری اسلامی می‌گوید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این صحنه سخت و سنگین به رزمندگان دستور می‌دهد مجدد آماده نبرد شوند. قرآن کریم این حادثه را چه زیبا بیان می‌کند: «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ: اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید. اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست» (آل عمران: ۱۷۳). بنابراین رزمندگان اسلام نه تنها از لشکر دشمن نهراسیدند، بلکه با لبیک به رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ایمانشان به خدا افزایش یافت و گفتند: «قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». از این آیه شریفه معلوم می‌شود که جهاد با دشمنان خدا، از عوامل رشد و ازدیاد ایمان است و مجاهدان در برابر قاعدان، از ایمان برتری برخوردارند.

دو بعد مهم ایمان

در حوزه ایمان دو امر اهمیت بسیاری دارد: نفی طاغوت و دل‌بستن به خدای متعال است؛

همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز الله نیست» (محمد: ۱۹؛ صافات: ۳۵). در این آیه شریفه ابتدا طاغوت و ماسوی‌الله نفی می‌شود، سپس وحدانیت الله تبارک و تعالی اثبات می‌گردد. اگر کسی به خداوند متعال ایمان داشته باشد، اما نگاهی هم به قدرت استکباری داشته باشد و از آنها بترسد یا بدون توجه به خدای متعال از آنها استمداد و کمک بطلبد، در واقع ایمانش با شرک ترکیب شده است: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ: و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آنکه برای او شریک قرار می‌دهند» (یوسف: ۱۰۶). به یقین این نوع ایمان، مطلوب نیست و حد نصاب توحید را ندارد.

مهم‌ترین ویژگی‌ای که در زندگی شهیدان سلیمانی و سیدحسن نصرالله تالؤلؤ و درخشش بسیاری دارد، موضوع ایمان خالص است. همین عامل موجب می‌شد که آنها در برابر همه مشکلات و سختی‌ها چون کوه استوار بمانند و از هیچ نوع تهدید و دشمنی نمی‌هراسیدند. در دعای شریف ماه رمضان می‌خوانیم: «اللهم إني أسألك إيماناً تُبَاشِرُ به قلبي: خدایا من ایمانی می‌خواهم که این ایمان مباشرت با قلبم داشته باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۲۴). نتیجه ایمانی که محکم و رسوخ‌کرده در قلب باشد، این است که انسان به این مقام می‌رسد: «حتی أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبَتْ لِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۲۴)؛ یعنی به مقامی می‌رسد که می‌فهمد و یقین پیدا می‌کند که هیچ اتفاقی برای او رقم نمی‌خورد مگر آنچه خدا بخواهد. این نوع از ایمان را در زندگی این دو شهید عزیز بارها دیده‌ایم؛ آنها ترس بودند و در سختی‌ها خودشان را به دل مرگ و آتش می‌زدند. حضور شجاعانه و بدون ترس حاج قاسم سلیمانی در کردستان عراق، امرلی، النبل و الزهرا در سوریه و هشت سال دفاع مقدس یا نبرد سخت و شجاعانه شهید سیدحسن نصرالله با رژیم صهیونی، نشان‌دهنده ایمان قوی این دو بزرگوار است. در واقع این شهیدان به این باور رسیده بودند که «لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبَتْ لِي»؛ یعنی خدایا هیچ اتفاقی برای من نمی‌افتد مگر اینکه تو خواسته باشی و تو برای من مقدر کرده باشی. انسانی اگر به این مقام رسید، دیگر از چیزی جز خدا نخواهد ترسید.

نخستین و مهم‌ترین شرط برای تربیت‌شدن نسلی که در مسیر شهیدان مقاومت گام بردارند، دارا بودن ایمانی قوی و خالص است. تنها این نوع ایمان است که می‌تواند فرد را در برابر هر نوع آفت و تهدیدی بیمه کند. مؤمنان واقعی تنها خدا را ولی و سرپرست خود می‌شناسند: «اللَّهُ وَليُّهِ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ: خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان

آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌برد» (بقره: ۲۵۷). این نوع ایمان با معرفت و عمل عجین است. مهم این است که ما بتوانیم این نوع ایمان را در وجود خودمان و نسل حاضر و مخاطبان پدید بیاوریم. طبیعی است که در این حالت ترس از دشمنان و جبهه استکبار رخت می‌بندد و شجاعت به جایش می‌آید؛ همچنین منفعت‌طلبی رخت می‌بندد و خداخواهی جایش را می‌گیرد. این ایمان و توجه و باور به خدا با هر عملی نیکی که انسان انجام می‌دهد، رشد می‌کند و صاحب خود یعنی فرد مؤمن را ارتقا می‌بخشد.

نیل به ایمان واقعی و خالص و بهره‌مندی از درجات بالایی آن تنها از مسیر انجام اعمال صالح میسر می‌گردد؛ همچنین ایمان با انجام اعمال صالح و شایسته رشد و تکامل می‌یابد؛ همان‌گونه که در قرآن آمده است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر: ۱۰). یا در روایت آمده است که: «ایمان و معرفت الله بدون انجام اعمال شایسته و نیک مانند درخت میوه‌ای است که ثمر نمی‌دهد». بر همین اساس در آیات زیادی در کنار ایمان، بر اعمال صالح تأکید شده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد: ۲۹) یا: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۸۲).

در تبیین مبانی مقاومت، افزون بر ایمان به انجام عمل صالح تأکید داریم که اعمال صالح را با تأکید بر مواردی پی می‌گیریم.

۲. عبادت

«نماز» یکی از مهم‌ترین مبانی و جلوه‌های عبادت است. در کنار نمازهای واجب، نمازهای مستحبی به‌ویژه نماز شب جایگاه مخصوصی دارد. بر همین اساس در قرآن کریم به نماز شب و عبادت سحرگاهی تأکید فراوانی شده است و نماز شب است که انسان را به مقام محمود می‌رساند: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» و پاسی از شب را [از خواب برخیز، و] قرآن [و نماز] بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد» (اسراء: ۷۹)؛ همچنین می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ: هیچ‌کس نمی‌داند خداوند چه نور چشمانی برای آنان پنهان کرده است» (سجده: ۱۷)؛ یعنی ایمان پشت سر ایمان و عبادت در دل عبادت. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: در سختی‌ها به صبر و نماز چنگ بزنید؛ از این دو استعانت بگیرید و کمک بگیرید» (بقره: ۴۵). البته «وَإِنَّهَا

لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: این کار سخت است مگر برای انسان‌هایی که خشوع دارند» (بقره: ۴۵)؛ یعنی برای کسانی که خدا در قلبشان جای گرفته است، این کار سخت نیست؛ ولی اگر انسان خشوع نداشته باشد، نمی‌تواند از نماز و صبر کمک بگیرد.

بر اساس روایت‌ها و گزارش‌های مختلف، شهیدان سلیمانی و سیدحسن نصرالله تقید زیادی به نماز شب داشتند. دوستان حاج قاسم روایت می‌کنند که ایشان در اوج خستگی، یک ساعت قبل از سحر حتماً برمی‌خاست و عاشقانه خدا را عبادت می‌کرد. زینب نصرالله دختر شهید نصرالله نیز می‌گوید: «هیچ وقت پدرم نماز شبش ترک نشد. گرچه خیلی وقت‌ها ما کنار ایشان نبودیم؛ ولی آن وقت‌هایی که بودیم، این‌گونه بود و هر وقت هم کنارش نبودیم، این را می‌شنیدیم که شهید نصرالله مقید به نماز شب است». بنابراین نماز به‌ویژه نماز شب سبب باروری و تقویت ایمان و نورانیت دل می‌گردد.

برای تربیت نسلی مقاوم و انقلابی باید به این امور توجه ویژه شود. نمی‌توان گفت این بزرگان الگو هستند، ولی نمازمان را با کسالت بخوانیم که این نشانه خوبی برای اهل ایمان نیست؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى: هنگامی که به سوی نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند» (نساء: ۱۴۲). این نوع نماز خواندن با مکتب حاج قاسم و سیدحسن نصرالله سازگاری ندارد.

بنابراین ایمان خالص است که انسان را به سوی اقامه نمازهای واجب و تقید به نماز شب ترغیب می‌کند؛ از سوی دیگر، عبادت و نماز شب سبب می‌شود ایمان انسان به مراتب بالاتری دست یابد که نتیجه آن، رشد فرد مؤمن و نیل به مقام قرب الهی خواهد بود.

۳. توکل

دومین اثر ایمان خالص، توکل به خدای متعال است. توکل بدین معناست که انسان خودش را در اختیار خدای متعال و تحت سرپرستی او قرار دهد. در قرآن دو تعبیر نزدیک به هم وجود دارد؛ ابتدا می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱؛ آل‌عمران: ۱۲۲)؛ یعنی مؤمنان باید به خدا توکل کنند و بدانند که خدا همه‌کاره این عالم است؛ از این رو اتفاقی در این عالم رخ نمی‌دهد مگر به اذن خدا و تحت ولایت و سیطره او. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ»: توکل‌کنندگان فقط بر خدا توکل کنند» (ابراهیم: ۱۲). این آیه تأکید می‌کند که اساساً نمی‌توان به دیگری توکل کرد؛ چون غیر خدا قدرت و اختیاری از خود ندارد، بلکه هرچه

دارد، تحت سیطره خدای متعال است.

توکل به خدا آثار و ثمره‌هایی برای زندگی انسان دارد که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

الف) آرامش و طمأنینه

اولین پیامد توکل، آرامش و طمأنینه است. این ویژگی را به‌وفور در زندگی این دو شهید بزرگوار می‌بینیم. اساساً انسانی که از قوت ایمان برخوردار باشد، میانه‌ای با اضطراب ندارد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا: او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است» (فتح: ۴).

زننده‌یاد رسولی محلاتی نقل می‌کند:

من حتی یادم است اوایل جنگ خیلی اوضاع به‌هم‌ریخته بود و خیلی خطرناک بود و هر روز یک خبر ناگوار می‌دادند که عراق تا کجا پیشروی کردند. اوایل جنگ آقای غرضی استاندار بود. ما هم در دفتر امام بودیم و اصلاً یک اتاقی بود که یک تلفن خاص فقط برای اخبار جنگ بود که ما می‌رفتیم آنجا. نزدیک اذان ظهر بود تلفن آن اتاق زنگ خورد، من گوشی را برداشتم دیدم آقای غرضی است. خیلی ناراحت بود، گفت شما همین الان بروید به امام بگویید که خرمشهر سقوط کرد و آبادان هم در خطر سقوط است ما چه کنیم؟ ... رفتم داخل اتاقی که معمولاً امام ملاقات داشتند، دیدم امام ایستادند سر سجاده و دارند اقامه می‌گویند برای نماز. تا من وارد شدم، ایشان گفتند چیست؟ گفتم آقای مهندس غرضی پشت تلفن است منتظر است و به من گفته است بیایم به شما بگویم که خرمشهر سقوط کرده و آبادان هم در خطر سقوط است، ما چه کنیم؟ امام هم گفت خب بروید به ایشان بگویید آقا جنگ است، جنگ است؛ اینها را گفتند حی علی الصلاة، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل و شروع به نماز خواندن کردند و خیلی طبیعی. من آمدم به آقای غرضی گفتم گفتند آقا جنگ است، جنگ است و رفتند سر نماز (خاطرات آیت‌الله رسولی محلاتی، <https://www.jamaran.news>).

انسان‌های مؤمن، آرامش و طمأنینه دارند و دلهره و اضطراب ندارند؛ چون خودشان را تحت سرپرستی خدایی قرار داده‌اند که خیر مطلق، حکیم مطلق و قادر مطلق است. حافظ می‌گوید: «راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش»؛ یعنی انسان صد هنر هم که داشته باشد، لازمه‌اش این

است که توکل داشته باشد.

حضرت امام خمینی علیه السلام فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»؛ به این دلیل که ایشان خود را به خدای متعال سپرده است، بر همین اساس همه ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکای جنایتکار نزد ایشان هیچ ارزشی ندارد و برایشان قدرتی قائل نیست. این بیان از روحیه توکل برمی‌خیزد؛ از این رو چون بر خدای متعال توکل می‌کند، افزون بر اینکه اطمینان و آرامش و طمأنینه دارد، به وعده‌های الهی نیز ایمان دارد. این ویژگی در زندگی حاج قاسم و شهید نصرالله نیز به خوبی مشاهده می‌شود.

ب) شجاعت

دومین ثمره توکل، شجاعت است. شجاعت در واقع مرز اعتدال بین تهور و بی‌باکی و ترس است؛ انسان‌های شجاع نه ترسو هستند، نه بی‌باک. به تعبیر قرآن کریم: «كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» (صف: ۴)؛ یعنی از چیزی نمی‌ترسند؛ چون می‌دانند هر چه هست، به وسیله و با تدبیر خدای متعال است.

یکی از دوستان حاج قاسم نقل می‌کند که بنا شد با هلیکوپتر به منطقه‌ای وارد شویم که اتفاقاً مجموعه آمریکایی‌ها آنجا به شدت فعال بودند (مرز سوریه و عراق). او در حال یادداشت‌برداری بود، سرش را هم بالا نمی‌آورد؛ جنگنده‌های آمریکایی مرتب تذکر می‌دادند. با همین آرامش رفتیم و آنجا نشستیم؛ هلیکوپتر نشست، دو رکعت نماز شکر آنجا خواند و برگشتیم (<https://www.etemadonline.com/>). همچنین این سخن سیدحسن نصرالله که «اسرائیل از خانه عنکبوت سست‌تر است»، از توکل او سرچشمه می‌گیرد؛ شجاعت هم محصول توکل است. سراسر زندگی این دو عزیز، تدبیر و ترسی است؛ این دو عزیز چهار - پنج دهه با شجاعت، خودشان را در محضر حق دیدند و جز حق ندیدند.

یکی از مؤلفه‌های اصلی برای حرکت بر اساس این الگوها، شجاعت و نهراسیدن است. درباره حضرت ابراهیم علیه السلام و همراهانشان گفتیم که به تعبیر قرآن کریم آنها اسوه حسنه هستند؛ این دو شهید نیز بعد از چند هزار سال، همان مسیر زندگی حضرت ابراهیم و همراهانشان را طی کرده‌اند و شایستگی الگوبودن را در این عصر و زمانه دارند؛ یعنی سبک زندگی شجاعانه‌شان، متوکلاانه و بدون اضطراب و دلهره بوده است.

ج) شهادت طلبی

سومین اثر توکل که بسیار در وجود این دو عزیز بسیار برجسته و نمایان بود، «شهادت طلبی» است. روایات متعددی از حضرات معصومین به شهادت طلبی و شهادت اندیشی تشویق می‌کنند. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ: بالای هر نیکی، نیکی دیگری است تا آن‌گاه که مرد در راه خدا کشته شود؛ پس چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی وجود ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۴).

شهادت طلبی و شهادت اندیشی موجب بارور شدن درخت تووند تشیع شده است. خداوند درباره مقام ارزشمند شهید می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: اینها را مرده نپندارید، بلکه زنده‌اند نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. شادمان به آنچه خدا از فضل خود به آنها داده و بشارت می‌دهند به کسانی که هنوز به آنها نپیوسته‌اند که نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند» (آل عمران: ۱۷۰). شهیدان نه خودشان دچار خوف و حزن‌اند و نه دوست دارند کسانی که در این مسیر هستند، چنین باشند. در نمازهایمان می‌خوانیم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد: ۶-۷). شهیدان از گروهی هستند که همواره در صراط مستقیم بوده‌اند و مشمول نعمت خداوند واقع شده‌اند: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدُقِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹).

در زندگی شهید سلیمانی و نصرالله، شهادت طلبی از نقاط برجسته بود. نقل است ایشان از مقام معظم رهبری درخواست شهادت کرده بود. مقام معظم رهبری در پاسخ فرموده بود: «خداوند متعال به این برادر بسیار عزیز ما، آقای سلیمانی که مخلصاً لله مجاهدت کرده، اجر بدهد و تفضل کند و زندگی ایشان را با سعادت و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد؛ البته نه حالا» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۱۹۴۶>).

آیت‌الله العظمی نوری همدانی می‌فرماید: حاج قاسم سلیمانی مکرر در دفتر ما رفت و آمد داشت. در آخرین دیدار بعد از ملاقات رسمی گفتند که همه بیرون بروند، من با شما کاری خصوصی دارم. بنده و ایشان در اتاق ماندیم. حاج قاسم از کیف کفشش را آورد و به بنده گفت که

کفن من را امضا کنید و نام خود را بنویسید و ما هم امضا کردیم. بعد هم گفتم می‌خواهم به عنوان خداحافظی چند رکعت نماز پشت سر شما بخوانم. بعد از دیدار، بنده از ایمان و بصیرت ایشان منقلب شدم. [ایشان] عشق و علاقه به جهاد و شهادت داشت، در زمان خداحافظی سردار سلیمانی را در آغوش گرفتم و آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت نوشیدند]، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند» را قرائت کردم و با چشمان اشک‌بار خداحافظی کردیم. اگر بخواهیم نسلی را تربیت کنیم که در این مسیر باشد، باید هم به اهمیت شهادت واقف شوند و هم آثار و برکات شهادت را درک کنند. بدانند که درخت معنویت، انسانیت، بشریت و تشیع همواره با خون شهدا و علمای شهید بارور و تنومند شده و به این مرحله رسیده است (<https://www.abrobad.net/fa->).

(ir/Article/Details/shroudsignature).

۴. توسل

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و دستاویز و وسیله‌ای از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش برای تقرب به سوی او بجویید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید» (مانده: ۳۵). توسل به اولیای الهی و واسطه قراردادن آنان برای به اجابت رسیدن دعاها از اموری است که در اسلام بر آن تأکید شده است. انسان به هنگام توجه کردن به زندگی این دو شهید، به شدت تعجب می‌کند که اینان در حوزه توسل و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام چه مراحل بلندی را طی کرده‌اند. اینان همان‌گونه که خود را در محضر خدای متعال می‌دیدند، در محضر اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌دیدند؛ از این رو مدام از آنها فیض می‌گرفتند، استغاثه می‌کردند و نور می‌جستند. در زمان شهادت حاج قاسم، تنها کتابی که در وسایل شخصی ایشان کنار دستشان بود، کتاب گلچین احمدی بود (۱۳۳۹۰۶؛ <https://www.khabaronline.ir/news/133906>)؛ این کتاب مجموعه‌ای از اشعار توسل، روضه خوانی و نوحه اهل بیت علیهم‌السلام است. گویا شهید سلیمانی آن را همیشه در سفرها همراه خود داشت. ایشان به برگزاری روضه سالانه حضرت زهرا علیها‌السلام و روضه سالانه اربعین در محله خودشان در کرمان تقید داشتند. در کرمان حسینیه‌ای به نام ثارالله علیه‌السلام است که

حاج قاسم از بانیان، فعالان و پیگیر فعالیت‌های آن بود و آن را به کانون فعالیت‌های فرهنگی تبدیل کرده بود و می‌کوشید در دهه محرم، دست‌کم یکی - دو روز به حسینیه بیاید و به عزاداران خیرمقدم بگوید و دیگر کارها را انجام دهد (خبرگزاری شبستان).

درباره شهید نصرالله نیز آیت‌الله نجم‌الدین طبسی که ارتباطات گسترده‌ای با ایشان داشتند، نقل می‌کنند: «یادم نمی‌رود که ایشان از همان ابتدای آشنایی از قریب به چهل سال قبل در جلسات منبری که در شب‌های دهه اول محرم در ضاحیه داشتیم، شرکت می‌کرد. این مجالس ابتدا ده شب بود و بعد به تدریج که جمعیت بیشتر و دو طرف خیابان بسته می‌شد، شد بیست شب. ایشان می‌آمد و از اول تا آخر منبر را می‌نشست و استماع می‌کرد و مثل ابر بهار اشک می‌ریخت. این رویه در ماه مبارک رمضان هم که در خود ضاحیه، مرکز امام خمینی علیه السلام برنامه داشتیم، ادامه داشت» (<https://pasdareeslam.com/۴۶۱۹/>).

۵. ولایت‌مداری

خداوند می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده: ۳). این آیه درباره غدیر و نصب امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مقام امامت و ولایت است. خدای متعال در این آیه چهار محور را ترسیم می‌کند: ۱. امروز روزی است که کافران از شما ناامید شدند؛ ۲. امروز روزی است که دینتان کامل شد؛ ۳. امروز نعمتم بر شما تمام شد؛ ۴. امروز اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

بر اساس بند اول، روز غدیر همان روزی است که دشمنان اسلام از دین شما ناامید شدند؛ یعنی ناامید از اینکه در دین شما تصرف و تحریف کنند و موجب تضعیف دین شما شوند. بنابراین اگر امامت و ولایت نباشد، دین تضعیف می‌شود و دشمنان امید به تحریف و تضعیف دین دارند. بر اساس بند دوم، اگر ولایت نباشد، دین ناقص خواهد بود. طبق بند سوم، نعمت بدون ولایت، ناقص است. بر اساس بند چهارم نیز دین و اسلام بدون ولایت مورد رضایت خداوند نیست.

بنابراین ولایت است که به دین اسلام هویت می‌دهد. می‌توان این‌گونه گفت که اسلام مجموعه‌ای منسجم و به‌هم‌پیوسته است که «ولایت» نخ تسبیح آن است.

مهم‌ترین ویژگی شهید سلیمانی و همین‌طور شهید نصرالله در حوزه اجتماعی و سیاسی،

«ولایت‌مداری» این دو بزرگوار است. وصیت‌نامه هر شخص چکیده افکار، باورها، اعتقادات و دستاوردهای طول زندگی اوست. بیشترین سهم موضوعی وصیت‌نامه شهید سلیمانی مربوط به ولایت‌مداری است: ولایت الهی، ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام و ولایت فقیه. جالب است که نودونه مورد از وصیت ایشان، توصیه به ولایت و ولایت‌مداری است که حدود بیست‌وشش درصد محتوای وصیت‌نامه شهید را دربر می‌گیرد. جهاد و شهادت با پنجاه‌ودو مورد تکرار، چهارده درصد محتوای وصیت‌نامه این شهید را تشکیل می‌دهد. بنابراین چهل درصد وصیت‌نامه این شهید عزیز مرتبط با موضوع ولایت و ولایت‌مداری است؛ زیرا همه شاکله وجودی انسان مؤمن، تحت ولایت و سرپرستی خدای متعال بودن است و ترجمه عینی تحت سرپرستی ولایت الهی بودن، سرسپردگی و دل‌سپردگی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه معصومان علیهم‌السلام و در دوران غیبت، دل‌سپردن به ولی فقیه است که نایب امام زمان عجل‌الله‌فرجه است (اشرفی، ۱۴۰۱ ش).

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عملی به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تنوری^۱ و نه می‌گویم ولایت قانونی^۲؛ هیچ‌یک از این دو مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولان است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید».

(<https://shemiranat.farhang.gov.ir/fa/vasiatsardarsoleymani>).

بیشتر زندگی شهید سلیمانی در ترویج محبت، عشق، دل‌سپردگی و سرسپردگی به ولی فقیه گذشت؛ جانش، حیثیتش و امکاناتش را در این مسیر قرار داد. همین موضوع در خصوص شهید نصرالله نیز کاملاً پیداست. پس از شکست و خروج اسرائیل از جنوب لبنان، شهید نصرالله به محبوب‌ترین شخصیت جهان اسلام و جهان عرب تبدیل شد و رسانه‌ها به شدت به شخصیت او پرداختند. در همان ایام، اجلاس سران در ایران برگزار شد؛ بلادرنگ پس از اتمام سخنرانی رهبری عظیم‌الشان، شهید نصرالله در برابر دوربین‌های خبری دست مقام معظم رهبری را بوسید (<https://farsi.khamenei.ir/others-memory?id=۱۲۲۰۶>). تا به همه جهانیان اعلام کند که اگر ما برای نخستین بار توانستیم اسرائیل را شکست دهیم، متأثر از ولی فقیه هستیم و به پشتوانه ولی فقیه در ایران می‌توانیم این کارها را انجام دهیم.

بنابراین توجه این دو بزرگوار به موضوع ولایت با همان تعبیر زیبایی حاج قاسم (ولایت عملی)، کاملاً موضوع پرتکرار است، بلکه پرتکرارترین موضوع در توصیه‌ها و وصایای این عزیز به شمار می‌رود.

این دو شهید بزرگوار به این درک رسیدند که اگر بناست به دینی متمسک شویم که دشمنان و کافران از تصرف، تحریف، تضعیف و طمع در آن ناامید باشند، آن دینی است نقشی برجسته و اساسی در ولایت و امامت دارد. امام باقر علیه السلام فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و بر هیچ چیز به اندازه ولایت تأکید نشده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳).

نتیجه

این پژوهش با رویکرد مطالعه مصداقی مبانی قرآنی مقاومت اسلامی، نشان داد که مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سیدحسن نصرالله ترجمه عملی و زنده‌ای از آموزه‌های قرآن کریم در عرصه فردی، اجتماعی، سیاسی و نظامی است. قرآن نه تنها اصول و مبانی نظری مقاومت را تبیین می‌کند، بلکه مصادیق الگویی آن را در سیره انبیا و اولیای الهی مانند حضرت ابراهیم، موسی، مریم و آسیه ارائه می‌دهد تا بشر در هر عصری بتواند از آنها الگو بگیرد. امروزه رهبران مقاومت و سردارانی مانند شهید سلیمانی و شهید سیدحسن نصرالله با گام‌نهادن در مسیر الگوهای معرفی شده در قرآن کریم، به مرتبه‌ای بالا رسیده‌اند که می‌توانند برای نسل جدید به ویژه جوانان ما الگو و اسوه نیکو باشند.

به منظور تربیت نسلی مؤمن، عابد، اهل توکل و توسل، آشنا با فرهنگ شهادت، پیرو عملی ولایت همانند الگوهای معرفی شده در مقاله، بایسته است مبانی قرآنی مقاومت را با استفاده از روش‌های جدید آموزشی و تربیتی به نسل جدید انتقال دهیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. در روایات نقل شده است که فردی از خراسان خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: چرا قیام نمی‌کنید؟ امام فرمود: آیا کسانی هستند که در خراسان مرا یاری کنند؟ عرض کرد: بله، حتماً هستند؛ من خودم یکی از آنها هستم و خیلی‌ها را سراغ دارم. امام دستور داد توری را آماده

کنند. تنور که آماده و گداخته شد، فرمود: داخل آن برو. عرض کرد: حالا ما چیزی گفتیم، بنا نبود داخل تنور برویم؛ این همه سفر از خراسان تا مدینه آمدم که داخل تنور بروم؟! در همین اوضاع و احوال، کسی وارد شد و امام همین مطلب را به او فرمود: بی درنگ وارد تنور شد و سالم بیرون آمد. امام فرمود: از اینها چقدر در محل سکونت شما هست؟ عرض کرد: از اینها آنجا خبری نیست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۳۷).

۲. اعتقاد به ولایت فقیه از این باب که در قانون اساسی کشور آمده است و همه کسانی که در ایران زندگی می‌کنند، ملزم به آن هستند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. «به برکت تلاش سیدحسین نصرالله حوزه‌ها و مجالس اهل بیت و اباعبدالله علیه السلام شکوفا شد»، در: <https://pasdareeslam.com/۴۶۱۹۰>.
۲. «بوسیدن دست رهبر معظم انقلاب توسط سیدحسین نصرالله بعد جنگ ۳۳ روزه»، در: <https://farsi.khamenei.ir/others-memory?id=۱۲۲۰۴>.
۳. «راز حاج قاسم در دیدار با مراجع تقلید/ سردار سلیمانی روی کفنش چه نوشته بود؟»، خبرگزاری دفاع مقدس، در: <https://defapress.ir/fa/news/۴۹۸۱۴>.
۴. «کتاب همراه در زمان شهادت حاج قاسم»، در: <https://www.khabaronline.ir/news/۱۳۳۹۰۶>.
۵. «وصیت‌نامه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی»، در: <https://soleimani.ir/vasiatnameh-fa>.
۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل انبیا علیهم السلام، ج ۱، قم: [بی‌نا]، ۱۳۷۹ق.
۷. احمدی، وحیده، «تبیین نقش و عملکرد رهبر مقاومت لبنان در جنگ هشت‌روزه غزه»، مجله مطالعات فلسطین، ش ۱۸، ۱۳۹۱ ش.
۸. اسلامی، اسماعیل، «جایگاه قرآن در رفتار و عملکرد سردار شهید قاسم سلیمانی»، س ۶، ش ۲، پیاپی ۱۱، ۱۴۰۱ ش.
۹. اشرفی، اکبر، «جایگاه ولایت در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، فصلنامه علمی پژوهشی مهدویت، دوره ۱۶، ش ۱، پیاپی ۶۱، ۱۴۰۱ ش.

۱۰. بابایی، راضیه و زاهد غفاری هاشجین، «نقش رهبری سیدحسن نصرالله در به‌کارگیری قدرت هوشمند حزب‌الله در مواجهه با مخالفان»، مجله جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ش ۱۴، ۱۳۹۸ ش.
۱۱. خبرگزاری شبستان، «عمده‌توسلات حاج قاسم به حضرت زهرا س بود»، کد خبر: ۱۰۱۰۵۵۳، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳.
۱۲. رسولی محلاتی، «خاطرات آیت‌الله رسولی محلاتی»، خبرگزاری جماران، در: <https://www.jamaran.news>
۱۳. سالاری‌راد، معصومه، «شاخص‌ترین اوصاف شهید سردار حاج قاسم سلیمانی بر مبنای آیات قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، س ۶، ش ۱۲، ۱۴۰۱ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مبینی، محمد محمد و بهزاد قاسمی، «دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت»، آفاق امنیت، ش ۴۴، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ ۱، قم: [بی‌نا]، ۱۴۰۸ ق.